

پژوهش‌ها معماران اسلام ۱۵

شماره شایا: ۹۸۰ X - ۲۳۸۲

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶

بومی‌سازی بازآفرینی یکپارچه شهری بافت‌های تاریخی شهر اسلامی
امیرحسین شبانی / محمدسعید ایزدی

هستی‌شناسی مکان تاریخی (تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود)
فرهنگ مظفر / هادی ندیمی / ابوذر صالحی

ارزیابی جایگاه نهاد فقهی - حقوقی در ساختار شورای عالی شهرسازی با ارائه
پیشنهاد اصلاحی در مراجع دادرسی و کمیسیون‌های تخصصی شورا
سیدمجیدهاشمی طغرالجردی

پژوهشی بر کاربرد یک فرم تزئینی در کتیبه‌نگاری محراب‌های گچ‌بری قرن ششم تا
قرن هشتم هجری در ایران
احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی نژاد

تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست‌مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی
ایرانی
داوود سعادت / ایرج اعتصام / سید مصطفی مختاباد امرئی / محمدجواد مهدوی نژاد

تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها
(نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)
علی یاران / حسین بهرو

شکل‌گیری فضا در اثر پیوند مفهومی «موسیقی - ریاضی» و معماری
(مطالعه‌ی موردی: جلوخان و آسمانه گنبدخانه مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان)
علی تخمچیان / مینو قره‌بگلو / احد نژاد ابراهیمی



پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۵

شماره شایا: X 980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال پنجم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر سمانه تقدیر

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طبیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: دانشیار وزارت علوم تحقیقات، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

لیست داوران این شماره:

- دکتر پرستو عشرتی (استادیار دانشگاه تهران)
- دکتر حسن ذوالفقار زاده (دانشیار دانشگاه امام خمینی قزوین)
- دکتر سید علی سیدیان (استادیار دانشگاه مازندران)
- دکتر سمانه تقدیر (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر مهدی حمزه نژاد (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر محمدمنان رئیسی (استادیار دانشگاه قم)
- دکتر محمدعلی رنجبر کرمانی (استادیار دانشگاه قم)
- دکتر منصوره طاهباز (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر علی عمرانی پور (استادیار دانشگاه کاشان)
- دکتر ابوالفضل مشکینی (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)
- مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر مسعود ناری قمی (استادیار دانشگاه کاشان)
- دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه جندی شاپور دزفول)
- دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
- دکتر حمیدرضا جیحانی: استادیار دانشگاه کاشان

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۰۶ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.
نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۷۷۴۹۱۲۴۳ - ۰۲۱

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>

هستی‌شناسی مکان تاریخی (تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود)



فرهنگ مظفر*

دانشیار دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

هادی ندیمی**

استاد دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران

ابوذر صالحی***

استادیار دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده:

مروری بر تاریخ حفاظت معماری گویای آن است که تلقی هستی‌شناسانه‌ی اندیشمندان و نظریه‌پردازان حفاظت از مکان‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین مبادی نظریه‌های حفاظتی بوده است. غالباً ویژگی‌هایی از مکان تاریخی - که در هنگامه‌ی شناخت، از اهمیت بالاتری برخوردار شده - به موضوعی برای حفظ، تبدیل گردیده‌است. این در حالی است که جامعه‌ی امروز ایران، تلقی روشنی از این موضوع ندارد. آنچه به طرح این سؤال می‌انجامد که تلقی فرهنگ ایرانی - اسلامی از حقیقت هستی مکان‌های تاریخی چیست؟ در این راستا، تحقیق حاضر با استناد به تبیین‌های اصالت وجودی حکمت متعالیه منسوب به صدرالمتألهین از هستی موجودات مادی و با تکیه بر استدلال منطقی و روش قیاسی، به هستی‌شناسی مکان تاریخی می‌پردازد. بر این مبنا، حقیقت مکان تاریخی، از سه وجه مورد توجه قرار می‌گیرد. در وجه اول، مکان تاریخی به عنوان یک «کل واحد اندازه‌مند» مورد توجه قرار می‌گیرد؛ با مراتبی از اندازه شامل «معنا»، «صورت و تعینات عرضی‌اش» و «ماده». در نسبت این مراتب نیز به ترتیب، معنا بر صورت، صورت بر تعینات عرضی‌اش و تمامی این‌ها بر ماده، اصالت می‌یابند. اگرچه در نهایت، مکان تاریخی، کل واحد و دارای وحدت و یکپارچگی وجودی است. پس از آن، با تکیه بر نظریه‌ی حرکت جوهری، مکان تاریخی به مثابه یک «کل متغیر» مورد تأمل واقع می‌شود. مکان تاریخی از این جهت نمی‌تواند بقا و ثباتی داشته‌باشد و تنها می‌تواند قائل به استمرار و تداومی در هستی آن شد. استمرار بدین معنا لاجرم به واسطه‌ی «صیوررتی پیوسته بر مدار اندازه‌مندی‌های ناظر به هستی خاصش» ممکن می‌شود. پس از آن، پرسش از اندازه‌مندی‌های ناظر به هستی مکان تاریخی و نیز توجه به ملازمت با تغییر، وجه دیگری از هستی مکان تاریخی را مورد اشاره قرار می‌دهد و آن درآمیختگی‌اش با مقیاس‌های مختلفی از عالم پیرامونی است. از آن جهت که برای فهم هستی‌شناسانه‌ی مکان تاریخی نمی‌توان آن را به خودی خود موضوع شناخت قرار داد. در این وجه، مکان تاریخی به عنوان یک «وجود محدود»، در بستر عالم پیرامون و به معنای کلی‌تر، «عالم وجود» قرار می‌گیرد. از این منظر، اعتبار «مکان تاریخی» به عنوان یک «موجود»، به مظهریت «وجود» است. مکان تاریخی در مقام مظهریت وجود، در ذیل نظامی از اندازه‌های وجودی یا قاعده‌مندی‌های هستی و از جمله، قواعد متجلی در عالم طبیعت (و تجلیات نسبی آن در عالم فرهنگی) قرار می‌گیرد. از این جهت، وجه ثابتش در ضمن تغییر نیز همان نظم‌ها یا اندازه‌های وجودی متجلی در آن خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: هستی‌شناسی، مکان تاریخی، وجود، اندازه، تغییر.

مقدمه

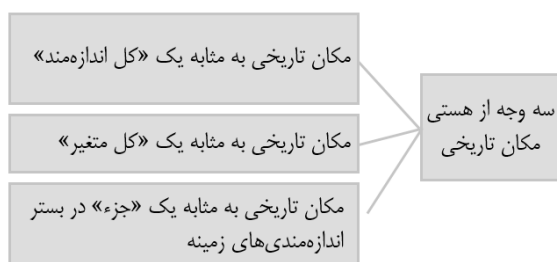
تاریخ روایت‌شده از حفاظت معماری گویای آن است که اندیشه‌پردازان حفاظت، تفاوت‌هایی جدی در فهمشان از مکان‌های تاریخی داشته‌اند؛ اگرچه گفته می‌شود که همگی به دنبال شناخت و حفاظت از «حقیقت» اثر معماری بوده‌اند (ویناس ۱۳۸۹، ۷۱). آغاز مسأله از این‌جاست که به نظر می‌رسد حفاظت هم‌زمان از تمامی وجوه و ابعاد مکان تاریخی امکان‌پذیر نیست. از این‌رو لازم است میان وجوه و ابعاد مختلف، انتخابی صورت پذیرد؛ که در نتیجه‌ی آن، مسأله‌ی چپستی «حقیقت مکان تاریخی» پیش‌روی ذهن قرار می‌گیرد؛ با این سؤال که عامل یا عوامل تشکیل‌دهنده‌ی هستی یا حقیقت مکان تاریخی کدام است و چه نسبتی میان این عوامل وجود دارد؟

اهمیت این مسأله به ویژه از آن جهت است که شناخت همواره بر اساس مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه انجام می‌شود (رضایی ۱۳۹۰، ۴۹). چنان‌چه شناسندگان غالباً به دنبال شناخت چیزهایی هستند که پیش از آن، قائل به وجود آن در موضوع شناسایی بوده‌اند. از این جهت، تبیین‌های هستی‌شناسانه از موضوع شناسایی و در این‌جا، مکان تاریخی اهمیتی ویژه می‌یابد. بدین منظور، تحقیق حاضر نیز نیازمند مبنایی نظری جهت هستی‌شناسی مکان تاریخی است.

در راستای تدقیق مبنای نظری تحقیق لازم است در ابتدا به «زیربناهای اندیشه‌ای فرهنگ اسلامی» به‌عنوان زمینه‌ی نظری تحقیق در مقیاسی کلان اشاره گردد. از آن جهت که مکان‌های تاریخی - که تبیین هستی‌شان موضوع این تحقیق است - در بستر فرهنگ اسلامی شکل یافته‌اند. در مرحله‌ی بعد در مقیاسی دقیق‌تر، حکمت اسلامی، به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین دستگاه‌های نظری تبیین‌کننده‌ی هستی موجودات، مورد رجوع خواهد بود. در میان نظام‌های حکمی اسلامی نیز دستگاه حکمی مورد رجوع، نظام «حکمت متعالیه» منسوب به صدرالمآلهین شیرازی است؛ از آن جهت که با طرح نظریه «اصالت وجود»، تبیینی دقیق از هستی موجودات عالم طبیعت ارائه می‌دهد. همچنین بنابر قائل شدن به اصالت «وجود عینی و خارجی اشیاء» نسبت به «وجود ذهنی و تحلیلی آن‌ها» مبنای مناسب‌تری نسبت

به دستگاه‌های حکمی قائل به اصالت ماهیت برای تبیین هستی عینی مکان تاریخی خواهد بود. پس از آن باید توجه نمود که مکان تاریخی از آن جهت که زمانمند و ملازم با تغییر است، موضوع حفاظت معماری قرار می‌گیرد. در این ارتباط نیز، حکمت متعالیه به طرح نظریه‌ی «حرکت جوهری» به‌مثابه «یکی از نظام‌مندترین و از لحاظ منطقی، جذاب‌ترین تنسیق درباره‌ی معنای تغییر» (نصر ۱۳۸۵ ب: ۴۸۷) می‌پردازد.

بدین قرار، تحقیق حاضر پس از مروری بر ادبیات موضوع، ابتدا به تبیین هستی‌شناسانه‌ی اشیای عالم ماده از منظر حکمت متعالیه می‌پردازد. سپس هستی مکان تاریخی از سه وجه مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. در یک وجه، «مکان تاریخی» به مثابه یک «کل اندازه‌مند» و در وجهی دیگر، به مثابه یک «کل متغیر» و در وجه سوم به مثابه یک «جزء در بستری از اندازه‌مندی‌های زمینه» مورد توجه قرار می‌گیرد.



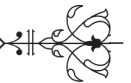
تصویر ۱. سه وجه از هستی مکان تاریخی

در آن‌چه پیش‌روست، اصطلاح «مکان تاریخی»، جهت اشاره‌ای کلی به بناها و بافت‌های تاریخی با کارکردها و مقیاس‌های مختلف به کار برده شده‌است. اگرچه در ادامه، تعریف دقیق‌تری از آن از منظر تحقیق ارائه خواهد شد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، با هدف تبیین هستی‌شناسانه از مکان تاریخی در پرتو حکمت متعالیه، ابتدا بر اساس نظریه‌ی «اصالت وجود»، مکان تاریخی به مثابه یک هستی مادی مورد تأمل و بررسی خواهد بود. در این راستا بر اساس نسبت‌های ذکر شده میان «ماده و صورت»، «صورت و معنا» و «وجوه جوهری و عرضی اشیا» در دستگاه حکمت





هویتی است، مورد توجه قرار گرفته است. مرزاویلا^۳ (۲۰۰۸، ۱۷۷) در ضمن بررسی زمان‌مندی معماری در نظریات براندی، تلقی وی از حضور اثر هنری در بستر زمان را منطبق بر این نظر می‌داند. در نگاهی دیگر، «پیوند مکان با محیط پیرامون» مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ با این اعتقاد که جداکردن بناهای تاریخی از بناهای اطراف، به جای کمک به معرفی بنا از انعکاس واقعیت آن خواهد کاست (طیبیان ۱۳۹۱، ۳۵؛ لینچ ۱۳۷۴، ۱۰) «آثار قدمت» و کهنگی در اثر نیز از عوامل دیگری است که به ویژه از نگاه رمانتی‌سیسم، دارای نقش ویژه‌ای در اثر معماری می‌شود (طبسی و آیت‌اللهی ۱۳۸۳، ۱۴۰).

در اقسامی از نگاه‌ها، چندین عامل یا «مقوله» در تبیین حقیقت یک اثر مورد توجه قرار گرفته است. چنان‌چه کاپون (۱۳۸۳، ۱۲۳) به وجوه پنج‌گانه‌ای بدین شرح برای یک بنا

می‌رسد:

- ۱- مصالح و ساخت (متناظر با مقوله‌ی «ماده»): ۲-
- رابطه‌ی بنا با بافت (متناظر با مقوله‌ی «ارتباط»): ۳-نمای فضایی، ابعاد و نسبت‌ها (متناظر با مقوله‌ی «کمیت»): ۴-
- نوع، سبک و دوره‌ی ساخت (متناظر با مقوله «کیفیت») و ۵- عملکرد (متناظر با مقوله‌ی «حرکت»). کانتر (۱۳۹۲) نیز مکان را دربرگیرنده‌ی سه جزء «کالبد»، «فعالیت» و «معنا» می‌داند.

در بخش دیگری از رویکردها، در هستی مکان تاریخی، ویژگی‌های نوعی به معنای ویژگی‌های مشترک در میان چندین مکان، عاملی مهم دانسته شده است. از سبک‌های تاریخی مورد نظر لودو (۱۹۹۶، ۳۱۴) تا الگوها و نظم‌های الکساندر (۱۳۸۱) یا ارزش‌های فرهنگی و زمینه‌ای ذکر شده در منشورها و اسناد بین‌المللی پس از منشور ونیز (و به‌طور مشخص، نگاه پسامدرن^۴) نمونه‌هایی از این عوامل نوعی است.

در این بین، در تحقیقات داخلی نیز، وحیدزاده و دیگران (۱۳۹۰، ۱۳-۹) در نگاهی نزدیک به نگاه تحقیق حاضر با تکیه بر نظریه‌ی اصالت وجود صدرایی، پیکر مادی اثر و آگاهی برآمده از آن را موضوع واحدی برای حفاظت در نظر می‌گیرند. در نگاه ایشان، اثر تاریخی «حضور پویا

متعالیه، نسبت اندازه‌های مرتبه‌مندی که نمایاننده‌ی هستی خاص یک مکان تاریخی است، تبیین می‌گردد. پس از آن، نظریه‌ی حرکت جوهری و تبیینی - که از هستی سیال موجودات مادی ارائه می‌دهد - مبنایی برای تبیین ملاحظات سیالیت و در تغییر مدام بودن هستی مکان تاریخی قرار می‌گیرد. در پایان نیز روایت حکمت متعالیه از نسبت میان «موجود» و «وجود» در نظام عالم، مبنایی قرار می‌گیرد برای تبیین نسبت مکان تاریخی به عنوان یک هستی محدود با هستی عالمی که در زمینه یا بستر آن واقع شده است.

در مجموع، تحقیق حاضر، به عنوان آن‌چه در تداوم فلسفه صدرایی قرار می‌گیرد؛ دارای ماهیتی تحلیلی-فلسفی است و تکیه بر استدلال منطقی و روشی قیاسی دارد.

پیشینه‌ی تحقیق

در غالب اندیشه‌های مطرح در تاریخ حفاظت معماری، همواره در میان عوامل متعدد دخیل در چیستی اثر تاریخی، یک یا چند عامل، واجد اهمیتی بیشتر دانسته شده‌است. چنان‌چه حفاظت مدرن به ویژه در نیمه‌ی اول قرن بیستم، بر اهمیت «مواد اصلی تشکیل‌دهنده‌ی اثر» تأکیدی ویژه می‌نهد (ویناس ۱۳۸۹، ۷۷-۷۵). یا آن‌جا که گروهی، «صورت منتخب» اثر تاریخی در یکی از لحظات حیاتش را حقیقت آن دانسته‌اند (پورجعفر ۱۳۸۸). برخی نیز، فاعل یا خالق اثر را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ چنان‌چه براندی با نظر به اصالت «فرایند خلاق» بر شخصی بودن اثر هنری تأکید می‌ورزد (یوکیلهتو ۱۳۸۷، ۱۸۷). در مقابل، در سخنان متخصصین علوم رفتاری، اهمیت و تأکید ویژه‌ای بر نقش «رفتارها» در مکان مشاهده می‌شود (پورجعفر و دیگران ۱۳۸۶، ۱۲). در این رابطه، در تحقیقاتی نیز که در سال‌های اخیر در سنت‌های حفاظتی معماری ایران انجام شده، گاه قول به «اصالت کارکرد در معماری گذشته ایران» دیده می‌شود (امین‌پور و دیگران ۱۳۹۲، ۲۷).

در رویکردهای باستان‌شناسانه آثار تاریخی به‌عنوان «یادگاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته» دیده شده است (راب^۲ ۱۹۹۷، ۱۵۳). گاه نیز مکان به مثابه آن‌چه دارای «جوهری هویت‌بخش» با مجموعه‌ای از لایه‌های





شیء هم به معنای تعیین اندازه‌های آن شیء است. بدین ترتیب، ویژگی‌ها و اندازه‌های اشیاء، ارتباطی دوسویه با هستی خاص آن‌ها می‌یابد. به روایت صدرالمتألهین، وجود شیء، همه‌چیز شیء است. از این‌رو، حقیقت یک شیء عبارت است از «وجود خاص آن شیء» (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۹۰). به سخن دیگر، تمامی هستی‌ها و موجودات طبیعی و مصنوع، جز وجودهایی «محدود» (و بنابراین، اندازه‌مند) چیز دیگری نیستند.

اکنون بر سیاق آن‌چه گفته شد، اشیاء ساخته آدمی و از جمله، مکان ساخته‌شده نیز از آن جهت که اشیائی مادی‌اند، هستی‌ای محدود و اندازه‌منداند. از این‌رو، مسیر تبیین هستی مکان تاریخی از تبیین اقسام اندازه‌ها در مکان تاریخی می‌گذرد.

۲. «مکان تاریخی» به مثابه یک «کل اندازه‌مند»

در تبیین هستی مکان تاریخی به عنوان یک کل واحد، آن‌چه مهم است؛ ابتدا تبیین اقسام اندازه‌ها و سپس، نسبت میان آن‌ها در کلیتی به نام «مکان تاریخی» است، از آن جهت که ذهن شناسنده در مواجهه با هستی‌های مادی، همواره اندازه‌هایی «متعدد» را پیش روی خود می‌بیند. اندازه‌هایی که به نظر می‌رسد سهم یکسانی در هستی شیء ندارند. تا آن‌جا که فلاسفه در فهم نسبت اندازه‌های مختلف اشیاء و متناظر با آن، حفاظت‌گران در فهم نسبت اندازه‌های مختلف در مکان‌های تاریخی همواره با چالش‌هایی جدی روبرو بوده‌اند. چنان‌چه از اختلاف‌نظرهای عمده میان حفاظت‌گران، اندازه‌هایی است که محوریتی در هستی آن دارد و حفظ آن موجب استمرار هویت مکان تاریخی خواهد شد. بدین‌قرار، مسیر تبیین هستی مکان تاریخی ناگزیر از تبیین اقسام اندازه‌ها و نسبت میان آن‌ها خواهد گذشت.

۲-۱. وجوه اندازه‌مند در هستی مکان تاریخی

از مسائل مهمی که نظام‌های فلسفی در پیش‌روی خود دیده‌اند، نسبت میان اندازه‌ها و وجوه مختلف در هستی اشیاء است. در این میان، بر اساس منابع مورد رجوع این تحقیق، هستی اشیاء مادی، تعیین یا ظهوری ذومراتب دارد (نصر ۱۳۸۵ الف، ۳۸۰)؛ و متناظر با مراتب ظهورش، از مراتبی از اندازه نیز برخوردار است. در آن‌چه پیش‌روست،

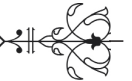
و زاینده» و «کلیتی یکپارچه» است که «وجود» اثر را به ظهور می‌رساند. بهشتی (۱۳۹۳، ۱۳) نیز در جایی از «ارزش‌های جوهری» شهر به عنوان حقیقت آن سخن می‌گوید. ارزش‌های جوهری در کلام وی ویژگی‌های کیفی و منحصربه‌فردی است که حاصل یک یا دو نسل نیست؛ بلکه حاصل تمام تبار و سرگذشتی است که شهر در پشت سر خود دارد. حجت (۱۳۸۰، ۳۳۸) نیز آثار تاریخی را «میراث فرهنگی» می‌خواند و سه ویژگی «شیئیت»، «قدمت» و «پیام انسانی (علمی، تاریخی، عاطفی)» را برای آن قائل است. متناظر با سه نوع پیام مورد ذکر، از سه نوع ارزش، به‌ترتیب اولویت عاطفی، تاریخی و علمی سخن می‌گوید.

در مجموع برخی، ویژگی‌های مصداقی و برخی نیز ویژگی‌های نوعی را عاملی مهم در هستی مکان تاریخی دانسته‌اند. چنانچه نوعی آشفتنگی نظری در این حوزه دیده می‌شود. ضمن آن‌که بنیان‌های نظری تبیین‌های ارائه شده از سوی اندیشه‌ورزان عالم غربی لزوماً منطبق با مبانی فرهنگ ایرانی اسلامی نیست. از این‌رو لازم است پاسخ سؤال از حقیقت مکان تاریخی در عالم فرهنگ اسلامی جستجو گردد؛ تا بدین‌ترتیب تقریبی به سوی مبناهای نظری بومی برای حفاظت از بناهای تاریخی صورت پذیرد. در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی ایران نیز اگرچه تاکنون تلاش‌هایی در این راستا صورت‌پذیرفته است، اما کافی به‌نظر نمی‌رسد. از آن جهت که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی هستی یک مکان تاریخی و به ویژه نسبت میان این مؤلفه‌ها به تفصیل یا به‌صورت مستقیم مورد شرح و تبیین قرار نگرفته است.

۱. اشیاء به مثابه هستی‌های اندازه‌مند

بر اساس یکی از کلی‌ترین تبیین‌ها از اشیای جهان پیرامون، هر شیء دارای دو وجه «هستی و چیستی» است. هر شیء از آن جهت که هست، از «هستی» یا «وجود» بهره‌مند است و از آن جهت که از وجودی «محدود» برخوردار است، دارای «چیستی» معین می‌شود (مطهری ۱۳۶۸، ۳۶). به عبارتی، اشیای عالم پیرامون به عنوان هستی‌هایی محدود، اموری «اندازه‌مند»‌اند. با این تفسیر، خلق یا ایجاد یک





سه مرتبه از ظهور شامل «معنا»، «صورت» (و اندازه‌های عرضی‌اش) و «ماده» مورد ذکر خواهد بود.

۲-۱-۱. معنای مکان تاریخی

اولین مرتبه از مراتب ظهور «وجود» شیء، «نحو وجود» یا همان «اسم» یا «صفتی» است که در وجود شیء تحقق یافته است. اسم یا صفت مورد اشاره، می‌تواند «معنای» متجلی در صورت شیء نیز دانسته شود. در این رابطه، صدرالمتألهین صنایع لطیفه را مظهر اسماء الحسنی می‌داند؛ از آن جهت که انسان هنرمند، خود مظهر اسماء الاهی است (امامی جمعه ۱۳۸۸، ۶۲). توضیح آن که «ملاصدرا در هنر یا به تعبیر خود او در «صنایع لطیفه» به صورت نظر داشته است؛ [...] اما صورت را فراهم‌آورنده زمینه‌های توجه انسان به عالم اعلی و زیبایی‌های قدسی والا می‌داند. [...] بنابه تصریح ملاصدرا، صورت و شکل در زیبایی‌شناسی باید واجد دلالت باشد و این‌جاست که خصلت نمادین و تمثیلی «صورت» در زیبایی‌شناسی، اعم از طبیعی و هنری در نگاه ملاصدرا آشکار می‌شود». بدین معنا، مکان، صورتی است که معنایی و ظاهری است که باطنی را آشکار می‌نماید. از آن جهت که «ظاهر نشانه باطن و صورت، تمثیل حقیقت است» (همان، ۹۶-۷۳).

هرچند باید توجه داشت که سرشت معنا مرتبتی والاتر از مفاهیم انتزاعی دارد. «از این‌رو معانی هرگز به‌تمامی در قالب «مفاهیم» نمی‌توانند بیان گردند؛ اگرچه می‌توانند در قالب صور آشکارگی یابند» (ندیمی ۱۳۸۵ الف، ۱۰۲).^۵ اما خاستگاه معنا کجاست؟

در این خصوص می‌توان گفت؛ معنا یا نحو وجودی یک مکان، متأثر از نحو «وجود» علت فاعلی مکان است.^۶ در این‌جا مراد از علت فاعلی، کلیه‌ی عواملی است که به‌نحوی مستقیم یا غیرمستقیم هستی مکان را تقدیر می‌کنند. از معمار مکان تا مجموع عالمی که مکان در ذیل آن شکل می‌گیرد؛ هرکدام به اندازه‌ی تأثیری که در نحوه‌ی وجود مکان دارند؛ علت فاعلی‌اش به‌شمار می‌روند. بدین‌گونه، مکان از طرفی مظهر اسمی است که انسان معمار مظهر آن است و از طرفی مظهر اسمی است که «عالم» مادی [و در ذیل آن، عالمی که مکان تحت آن شکل یافته است]،

در آن‌هنگام مظهر آن اسم است^۷ (تاجر ۱۳۸۳، ۱۰۳). از دیگر خاستگاه‌های معنا در مکان، می‌توان به «نحو حضور» انسان در مکان اشاره نمود. در این‌بین، حقیقت کیفی کارکرد مکان، نحوی از حضور انسان است. بدین معنا، انسان در مسجد نحوی از حضور دارد و در بازار نحوی دیگر^۸. حقیقت کیفی یا معنای مورد اشاره در این مجال، معنای مندرج در کارکرد مکان است که حتی در جریان طرح آغازین مکان بسیار مؤثر است. معنای متجلی در یک خانه‌ی تاریخی تا حد زیادی متأثر از شناختی است که سازندگان آن خانه از حقیقت معنای خانه و سکونت داشته‌اند. هرچند که نحوه‌های حضور انسان در مکان‌های مختلف در عالم سنتی چندان با یکدیگر بیگانه نیستند که انسان خلیفه الله در هر حال در محضر خداوند است.

بدین ترتیب در مجموع، معنای مکان در یک سطح، متأثر از نحوه‌های «حضور» انسان است و در سطحی دیگر متأثر از نحو «وجود» وی و مراد از انسان هم انسان‌های مؤثر در اندازه‌بخشی مکان‌اند؛ چه در ساخت اولیه مکان و چه در تغییراتش در طول زمان.

۲-۱-۲. صورت مکان تاریخی

دومین مرتبه از مراتب ظهور هستی مکان تاریخی، «صورت» مکان تاریخی است؛ در نسبت صورت و معنا، چنانچه پیش از این اشاره شد، صورت، محمل، مظهر و تجلی بخش معناست. بدین قرار، نسبت صورت و معنای یک مکان تاریخی نسبت ظاهر به باطن است. ضمن آن که صورت و معنا از سنخ یکدیگراند و رابطه‌ی حقیقی نیز میان‌شان برقرار است (ندیمی ۱۳۸۶ ب: ۸۹). بدین مفهوم که هر صورتی، نمی‌تواند یک معنا را آشکارگی بخشد و به همین ترتیب، از یک صورت، هر معنایی برنمی‌آید.

اما صورت‌های آشکار در عالم ماده، صورت‌های متعلق به ماده است و به واسطه‌ی همین تعلق، وجهی محسوس و متکثر و صاحب مؤلفه‌های مختلف می‌گردد. اهل فلسفه این مؤلفه‌ها را اعراض خوانده‌اند. در این بیان صورت مکان تاریخی به مثابه وجود جوهری، به واسطه‌ی «اعراض» بر حواس آدمی آشکارگی می‌یابد. از آن جهت که «آدمی حواس جوهرشناس ندارد و تنها می‌تواند اعراض را بشناسد.





بدین‌گونه، صورت اولیه مواد و مصالح مورد استفاده در مکان، نسبت به صورت کلی مکان، ماده است. به سخن صدرالمتألهین، «مقوم اجسام مرکب، صورت اخیر آن است که وحدت جمعی دارد و باقی صورت‌ها به منزله فرعها و قوا و شرایط حدوث آن در آغازاند» (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۲۷۲). با این وجود، ماده‌ی مکان از آن جهت که خود صورتی است که به ماده‌ای دیگر تعیین بخشیده، دارای فعلیت و از خواص و ویژگی‌هایی برخوردار است. از این‌رو امری اندازه‌مند است. چنان‌چه گفته می‌شود «مناسبتی میان ماده و صورت لازم است تا ماده‌ای معین، صورتی معین را بپذیرد» (داداشی ۱۳۸۸، ۱۹۰).

۲-۲. نسبت اندازه‌ها در «مکان تاریخی»

تا این‌جا مراتبی از اندازه برای مکان تاریخی ذکر شد. اما در نهایت، مکان از آن جهت که یک «کل واحد» است؛ هستی ویژه‌اش را می‌یابد.

در منزلت وحدتی که اجزای مکان را به کلی «همهانگ» و «هدفمند» (نقره‌کار ۱۳۸۹، ۲۳۵) تبدیل می‌نماید؛ ذکر این مطلب کافی است که صدرالدین وحدت را مساوق وجود می‌داند (مطهری ۱۳۸۳، ۲۴۷). از این‌رو وجود مکان تاریخی منوط به نظمی^{۱۰} است که اجزای متکثر را به وحدتی خاص رهنمون می‌شود. بدین‌معنا، تقرب به حقیقت هستی مکان تاریخی، مستلزم نگاهی است که مکان تاریخی را از منظر وحدت حاکم بر آن و فراتر، وحدت حاکم بر وجوه و ابعاد زیستنی که مکان، بسترساز آن شده است؛ بنگرد. نگاهی که «همه‌ی ابعاد و وجوه و مراتب واقعیت را در ذیل وحدت و یکپارچگی غالب می‌بیند» (نصر ۱۳۸۶، ۳۹۹)؛ و مکان و حیات جاری در آن را همچون هویت‌ها، وحدت‌ها یا کل‌هایی در هم تنیده می‌داند؛ از وحدت‌های جزئی تا وحدت‌های کلی تا وحدت ناظر به کل عالم هستی که نحوه‌های حضور و وجود انسان و مکان را در کلیتی واحد معنا می‌بخشد.

بر این اساس، هستی مکان تاریخی در درجه‌ی اول، وجودی واحد و عینی به مثابه حقیقتی یکپارچه است که در مراتبی از اندازه تجلی می‌یابد. در این رابطه، محل پراهمیت بحث حاضر، نه صرفاً برشمردن سه قسم اندازه‌مندی که نسبت

بدین‌معنا، عرض دارای وجود ربطی و از مراتب وجود جوهر و همچون جلوه‌ای از آن» است (مطهری ۱۳۶۶ الف، ۹۹). اعراضی که دارای اقسام کلی سه‌گانه «کیفیت، کمیت و نسبت» (طباطبایی ۱۳۶۴، ۱۵۷) دانسته می‌شود.

بدین‌ترتیب، اقسام عرض در مکان تاریخی را نیز می‌توان مشتمل بر سه نوع «کم» و «کیف» و «نسبت» دانست. بر این اساس، ابعاد و اندازه‌های عددی می‌تواند اقسامی از عرض کم باشند؛ شکل، تناسبات، رنگ و کیفیت یک مکان نیز می‌تواند اقسامی از عرض کیف دانسته شود و در نهایت به عنوان عرض نسبت، اندازه‌ها یا ویژگی‌هایی از این قبیل را می‌توان نام برد؛ استقرار در یک محیط طبیعی، استقرار در یک شهر، محله یا مجموعه زیستی، استقرار در یک محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، همجواری با سایر مکان‌ها، زمان‌مندی، مالکیت، تعلق به انسان‌های ساکن، مفاهیم، خاطرات، وقایع و کارکردها و عملکردها. هر چند که در میان این وجوه عرضی متکثر در اشیاء، نگاه فیلسوفانه همواره به دنبال یک چیز نهایی و واحد به مثابه امری جوهری است؛ که اگر بتوان برای یک مکان تاریخی چنین صورت جوهری واحدی قائل شد، کیفی‌ترین ظهور جسمانی معنای مکان تاریخی خواهد بود. اگرچه در نهایت، نگاه وجودی صدرایی به مسأله جوهر و عرض هر دو را امری وجودی می‌داند (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۳۳۳).^۹

۲-۱-۳. ماده مکان تاریخی

صورت مورد اشاره‌ی پیشین، در تعریف دیگر فلسفی‌اش همان فعلیت شیء است که نام نوعی خود را به واسطه‌ی او برداشته است (مطهری ۱۳۹۵، ۲۴۸) و این تعریف، به ویژه تعریف صورت در نسبت ماده است که در این نسبت، هویت و واقعیت شیء را منوط به صورت آن دانسته‌اند و نه ماده‌اش (مطهری ۱۳۹۵، ۲۴۸). مهم آن‌که تشخیص یک شیء به یک ماده‌ی خاص نیست؛ بلکه به برخورداری از ماده جهت امکان‌پذیری تعیین جسمانی است (مطهری ۱۳۶۶، ب ۱۶).

اگرچه ماده بدین‌معنا، لزوماً ماده‌ی اولای فلاسفه نیست. چنان‌چه، ماده‌ی خامی که آشکارگی صورت مکان تاریخی را ممکن می‌سازد؛ خود ترکیبی از صورت و ماده است.



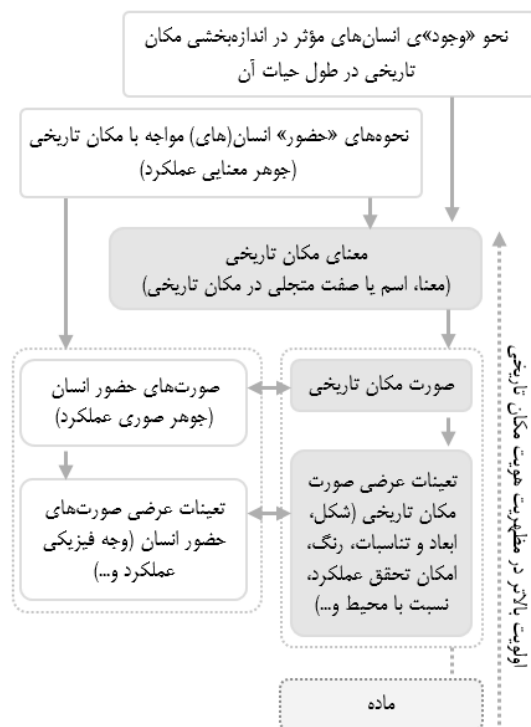
میان آنهاست.

پیش از هر چیز در نسبت مراتب اندازه‌ی مورد ذکر، لازم است بر اصالت و منزلت «معنا» نسبت به سایر مراتب اندازه تأکید گردد. از آن جهت که «هستی، فیضان و سریان وجود مطلق و وجود مطلق نیز، معنای مکنون است. تا آن جا که می‌توان گفت؛ عالم سریان معناست» (ندیمی ۱۳۸۶ الف، ۸۸). همچنین، بالاترین مرتبه از ظهورات وجود خاص مکان تاریخی، معنا یا نحو وجودی آن است. بدین قرار، از منزلت‌های مهم صورت مکان تاریخی نیز ظهور و تجلی معناست. از این‌روست که گفته می‌شود صورت یک مکان لازم است با سرچشمه و غایت آن که همان باطن و معنای مکان است، تناسب داشته باشد (نقره‌کار ۱۳۸۹، ۵۰؛ پازوکی ۱۳۸۸، ۵۹).

علاوه بر آن، واقعیت کیفی صورت نسبت به واقعیت کمی و عرضی آن، از مرتبت و منزلت بالاتری برخوردار می‌شود. از آن جهت که واقعیات کمی و عرضی در اشیای عالم ماده، از شئون و ظهورات واقعیات کیفی و ذاتی به شمار می‌روند (مطهری ۱۳۶۶، ب ۹۹). در نسبت صورت و ماده نیز هستی خاص یک مکان تاریخی در صورت آن متجلی می‌شود و نه در ماده‌اش. از آن جهت که گفته می‌شود «صورت هر چیز تمام آن چیز و حیثیت وجود و وحدت آن است» (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۲۲۷).

بدین ترتیب، هستی مکان تاریخی در اصل منوط به معنا و وجه کیفی صورت آن است. پس از آن است که اندازه‌های متکثر عرضی به عنوان مجال ظهور معنا و واقعیت کیفی مکان، از موضوعیتی برخوردار می‌شوند. اگرچه در مجموع لازم است قائل به نسبیتهای هستی‌شناختی در هستی مکان به مثابه یک «کل» باشیم. از آن جهت که حد آغاز و انجام یک مکان به مثابه یک کل را نمی‌توان تعیین نمود. همچنین، نسبت اجزای متعدد در کلی به نام مکان تاریخی به نحوی دقیق، قابل تعیین نیست. فراتر آن که مکان ساخته‌شده چنانچه پس از این مورد اشاره خواهد بود، همچون سایر اشیای مادی، وجودی سیال دارد و همواره در میان حدود لغزان است (سروش ۱۳۸۴، ۳۷). چنانچه در مجموع، مکان ساخته‌شده در تعیین مادی‌اش از

نسبیتهای هستی‌شناختی برخوردار می‌گردد و پای تفسیرها و قرائت‌های مختلف و غیرقابل جمع به میان کشیده می‌شود. اگرچه سخن گفتن از این نسبیتهای، نه به معنای کاستن از اهمیت «کل» بودن مکان است. بلکه به معنای تدقیق نگاه به نحوه‌ی کل بودن است.



تصویر ۲. وجه اول از هستی مکان تاریخی: مکان تاریخی به مثابه یک «کل» واحد اندازه‌مند با مراتبی از اندازه

۳. مکان «تاریخی» به مثابه «کل متغیر»

تا این جا مکان تاریخی به مثابه یک کل واحد با مراتبی از اندازه مورد تأمل بود. اکنون لازم است به وجه دیگری از هستی مکان تاریخی توجه نمود و آن مواجهه و درآمیختگی‌اش با تغییر است. به ویژه از آن جهت که حفاظت معماری، معماری را از جهت مواجهه‌اش با تغییر مورد توجه قرار می‌دهد. اکنون این سؤال پیش‌روست که هستی مکان تاریخی چگونه نسبتی با تغییر دارد. سؤالی که لازم است پاسخ آن در مبناهای نظری تحقیق جستجو گردد.

بر اساس نگاه اصالت وجودی حکمت متعالیه و به طور

اندازه‌مند شامل معنا، صورت و ماده - که متناظر با سه مرتبه از اندازه‌مندی است - مورد اشاره بود. اما غیر از اندازه‌مندی‌های موجود در خود یک مکان تاریخی چه اندازه‌مندی‌های دیگری ناظر به هستی خاصش می‌توان یافت؟ آیا تنها اندازه‌مندی ناظر به هستی دائم‌التغییر یک مکان تاریخی اندازه‌مندی‌های سه‌گانه موجود در خود مکان تاریخی است؟

در این‌جاست که توجه به این نکته ضروری است که اگر اشیا در ضمن حرکت شناخته شوند؛ لازم خواهد بود تمام عوامل مربوط به آن در حال حرکت شناخته شوند و چون آن عوامل به نوبت خود با عوامل دیگری مرتبط هستند؛ باید آن‌ها را هم مورد شناسایی قرار داد. از این‌رو در شناخت یک موضوع، لازم است واحدهایی برای شناسایی انتخاب شوند که وسیع‌تر از واحدهای مربوط به خود آن موضوع باشد (جعفری ۱۳۸۶، ۲). از این‌رو لازم است در جهت فهم هستی‌شناسانه‌ی مکان تاریخی به ارتباط ناگزیر آن با زمینه‌ای که در آن واقع شده است؛ هم پرداخته شود.

۴. «مکان تاریخی» به مثابه یک «جزء» در بستر اندازه‌مندی‌های زمینه

تا این‌جا، مکان تاریخی به مثابه یک کل متغیر اندازه‌مند با مراتبی از اندازه مورد بررسی بود. اما آن‌چه پس از این، لازم به تحقیق است؛ نسبت این کل، با محیط و بستری است که در آن واقع شده است.

مکان تاریخی و هستی‌هایی که در جوار آن واقع می‌شود، کل‌هایی در هم آمیخته‌اند. تا آن‌جا که گفته می‌شود هیچ شیئی را نمی‌توان بدون هستی‌های پیرامونی‌اش مورد شناسایی قرار داد. یک مکان، به عنوان یک کل، با کل‌هایی دیگر ارتباطی دوسویه و تنگاتنگ دارد.

به سخن دیگر، یک مکان به عنوان یک جزء در بستر و محیطی شامل قرار گرفته است. این محیط می‌تواند محیطی انسان‌ساخت با اندازه‌های وضع شده توسط انسان در طول زمان باشد؛ اندازه‌هایی که می‌تواند اندازه‌های «فرهنگی» خوانده شود. بدین‌معنا، اندازه‌های مکان با اندازه‌های فرهنگی ناظر به مکان تاریخی، ارتباطی گریزناپذیر دارد.^{۱۱}

مشخص نظریه‌ی حرکت جوهری، هستی‌اشیای مادی، اساساً سیال و روان است (سروش ۱۳۸۴، ۳۷). از این‌رو هیچ شیئی را نمی‌توان فارغ از درآمیختگی‌اش با زمان مورد تفسیر قرار داد (جعفری ۱۳۸۶، ۲۹). به عبارتی، «زمان‌مندی عین هویت و شیوه هستی موجودات مادی است. [...] بر این اساس، جهان یک شیء نیست؛ بلکه یک فعل است (سروش ۱۳۸۴، ۳۷-۸۱).

بدین معنا، مکان تاریخی همچون هر شیء مادی دیگر وجودی سیال، تدریجی‌الحدوث و به عبارت دیگر، «پخش و گسترده» (سروش ۱۳۸۴، ۳۷) است که بخش‌های مختلف وجودش نسبت به هم، تقدم و تأخر وجودی دارند. بدین‌قرار، گذشته و آینده‌ی یک مکان بخش‌های مختلف از یک وجود واحدند. به عنوان یک واقعیت شناختی نیز آن‌چه موجب این - همان دانستن یک چیز در پس تغییرات زمان‌مند می‌گردد؛ از یک‌سو تدریج و پیوستگی در تغییر است و از سوی «مشخص بودن مشخصات با عرض عریض» (مطهری ۱۳۶۶ ب: ۷۵) است.

به عبارت دیگر، بر مبنای حرکت جوهری، اشیا در ضمن تغییر، هر لحظه هویتی نوین می‌یابند؛ اما این هویت‌های نوین از آن‌جا که از اتصال وجودی از یک سو و بقای قاعده‌مندی‌های وجود خاص‌شان از سوی دیگر برخوردارند؛ یک هویت شخصی واحد دانسته می‌شوند (سروش ۱۳۸۴، ۳۷). به عبارتی، آن‌چه ضامن وحدت متحرک در ضمن حرکت می‌شود؛ «حرکت پیوسته و متصل وجود سیال قاعده‌مند» است. با این توضیح مهم که در نظام طبیعت، صیوروت هستی‌ها، لاجرم بر مدار امکان‌های ذاتی وجود خاص‌شان خواهد بود. درحالی‌که مکان ساخته شده تحت اراده و اختیار انسان نیز هست. از این‌رو، لزوماً صیوروتی بر مدار اندازه‌مندی‌های ناظر به هستی خاصش نخواهد داشت و تنها بدان حد که انسان مکان‌ساز «بداند و بخواهد و بتواند»؛ پیوستگی و استمرار هویتی خواهد داشت. اکنون در این ارتباط لازم است به طرح این سؤال پرداخته شود که نظام اندازه‌مندی‌های ناظر به هستی خاص یک مکان تاریخی کدام است؟

تا این‌جا در هستی خاص یک مکان تاریخی سه وجه

مستقلی نمی‌یابد (نصر ۱۳۸۵ الف، ۳۵۹:۱۲) بنابر اصالت وجود بر موجود (مطهری ۱۳۶۶، الف: ۲۳۰) و چنانچه در نظام طبیعی نیز، «اعتبار موجودات به مظهریت وجود» است (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۳۵۹). هویت هستی‌های امکانی از این جهت، «هویت تعلقی» نام گرفته است (سروش ۱۳۸۴، ۶۰). بدین‌قرار، اندازه‌های مکان تاریخی که از حد وجودی آن برخاسته است؛ فارغ از نسبتی که با مبدأ وجود و اندازه‌مندی‌های صادره از آن می‌یابد؛ نمی‌تواند از اهمیت بالذاتی برخوردار باشد.



تصویر ۳. وجه دوم از هستی مکان تاریخی: مکان تاریخی به مثابه یک جزء در بستر اندازه‌مندی‌های زمینه (مأخذ: نگارندگان)

در این‌میان، اندازه‌های فرهنگی نیز اعتبارشان به میزان انطباق بر نظام اندازه‌های وجودی است. اگرچه قرارگیری مکان تاریخی در بستر اندازه‌های فرهنگی، موجب درآمیختگی گریزناپذیری میانشان می‌گردد. بدین‌واسطه، اندازه‌های فرهنگی، البته تا جایی که منطبق بر نظامات وجودی باشند، می‌توانند مبنای رجوع هستی مکان تاریخی و اندازه‌مندی‌هایش باشند.

بدین ترتیب، صبرورت مکان تاریخی نیز صبرورتنی «ثابت‌مدار» خواهد بود و نمی‌تواند به هر سمت و سویی باشد. چنانچه در اشیای طبیعی نیز در ضمن تغییر، آنچه

اما محیط‌هایی که یک مکان تاریخی در بستر آن واقع می‌شود تنها محیط‌های انسان‌ساخت نیست. یک مکان تاریخی در ذیل محیط‌های کلی‌تر و وسیع‌تری هم قرار می‌گیرد. از جمله آن که به عنوان یک شیء مادی با تمامی هستی‌های مادی و موجودات عالم طبیعت نیز اشتراکی در اندازه‌ها می‌یابد و فراتر از آن به عنوان یک «موجود» محدود و همچون تمامی موجودات در بستر «وجود» قرار می‌گیرد. بدین‌معنا، تمامی هستی‌های عالم، در بستر وجود شناوراند و هر کدام از حدی از آن برخوردار. با این توجه که موجودات و هستی‌های محدود، تا حد برخورداریشان از وجود، «مظهر» وجودند. در این وجه، مکان تاریخی در نسبت با وجودهای دیگر و فراتر از آن در نسبتی با عالم وجود واقع می‌شود و مهم‌تر از همه نسبتی با مبدأ وجود یا وجود مطلق می‌یابد.

اما مبدأ وجود یا وجود مطلق، اولین ظهورش، ظهور در اسماء و صفات است. اسماء و صفات الهی همان امکان‌های وجودی و قوانین و اندازه‌مندی‌های حاکم بر هستی موجودات و به عبارتی، «الگوهای زیبایی‌شناختی خداوند در آفرینش‌اند» (امامی‌جمعه ۱۳۸۸، ۲۳۰). بدین ترتیب، وجود ثابت‌هایی این‌چنین، در نحوه‌ی هستی موجودات موجد نوعی نظم و قانونمندی در هستی عالم و به عبارتی، مجموعه‌ای از نظامات وجودی می‌گردد. در این ارتباط، نظامات برقرار در عالم طبیعت هم تجلیاتی از نظامات وجودی صادرشده از مبدأ وجود است. بدین‌ترتیب، می‌توان سه مرتبه از نظم در هستی قائل شد که عبارت‌اند از «نظم الهی، نظم طبیعی و نظم بشری که نظم طبیعی در طول اراده الهی قرار گرفته است و تقدیر نظم بشری می‌بایست قرار گرفتن در طول اراده الهی باشد» (خاکی ۱۳۸۸، ۷۱).

در این مقام، هستی مکان تاریخی نیز لاجرم در ذیل نظم یا نظامی از اندازه‌های وجودی یا قاعده‌مندی‌های وجود قرار می‌گیرد و مظهریتی برای صفات نامتناهی وجود مطلق می‌یابد.

مهم آن که بنابر وحدت و یکتایی وجود مطلق، وجودهای محدود، فارغ از نسبتی که با مبدأ وجود دارند؛ موضوعیت





اندازه‌مندی‌های ناظر به هستی خاصش ممکن می‌شود. اما این سؤال که به غیر از اندازه‌مندی‌های خود مکان تاریخی در وجوه سه‌گانه‌ی مورد اشاره، چه اندازه‌های دیگری ناظر به هستی خاصش می‌توان یافت، مقدمه‌ی توجه به وجه دیگری از هستی مکان تاریخی گردید.

در این وجه، مکان تاریخی نه به عنوان یک کل، بلکه به عنوان جزئی از عالم پیرامونی‌اش - که در وسیع‌ترین نگاه می‌تواند عالم هستی دانسته شود - تلقی گردید. با این نگاه که تنها شناخت مؤلفه‌های مندرج در هستی مکان تاریخی نمی‌تواند شناخت کاملی از آن به دست دهد و توجه به نسبت ناگزیرش با محیط یا بستری کلی‌تر نیز ضروری است. در این مقام، مکان تاریخی به عنوان یک موجود، در مقام مظهریت «وجود» قرار می‌گیرد و اعتبارش به میزان این مظهریت است. در این وجه، مکان تاریخی (به طور نسبی) مظهر اسماء و صفات وجود و قاعده‌مندی‌های صادره از آن می‌گردد و بدین ترتیب، در ذیل نظامات وجودی عالم و تجلیات آن در عالم طبیعی و نیز تجلیات نسبی‌اش در عالم فرهنگی قرار می‌گیرد. نظم‌ها یا نظامات مورد اشاره، تجلیاتی در نظام طبیعت دارد و از آن جمله، مشتمل بر قوانینی است ناظر به وجوه کیفی و کمی مکان (معنا، صورت و ماده). اندازه‌ها و نظم‌های فرهنگی نیز از این منظر، اعتبار خود را از انطباق بر نظامات وجودی می‌یابد و تا حد این انطباق، مبنایی برای هستی مکان تاریخی به‌شمار می‌روند.^{۱۵}

در مجموع، از منظر این تحقیق مکان تاریخی در درجه‌ی اول یک «کل یکپارچه و وجود عینی اندازه‌مند و آنچه در تغییر مدام است» دانسته می‌شود. ضمن آن که اندازه‌مندی‌های وجود خاصش (در مراتب سه‌گانه‌ی معنا، صورت و ماده) در ذیل نظامات وجودی متجلی در قوانین عالم طبیعی و عالم فرهنگی واقع می‌شود.

با این توجه که اعتبار هستی مکان تاریخی به میزان مظهریتی است که برای نظامات وجودی یافته است. از این رو امر ثابت و لازم به حفظش نیز همان نظم‌ها یا اندازه‌های وجودی متجلی در آن است. آن چه در یک کلام می‌تواند «وجه وجود» یا «وجه الله» خوانده شود.

ثابت و برقرار است؛ قانونمندی حاکم بر هستی یا وجود خاص هر موجود است (ملاصدرا ۱۳۸۴، ۳۴۹).

در این معنا، امر ثابت در صیورورت مکان تاریخی، نظام اندازه‌های وجودی ناظر بدان خواهد بود؛ البته به شرط آن که انسان مکان‌ساز، نحوه‌های زیستن و ساختنش را و پیش از آن، نحو وجودی‌اش را در هماهنگی با نظامات اندازه صادرشده از وجود مطلق قرار دهد. در این میان، نظام اندازه‌های فرهنگی و حتی اندازه‌های مصداقی مکان تاریخی نیز تا بدان حد که منطبق با نظام اندازه‌های وجودی مورد اشاره باشند؛ می‌توانند مرجع اندازه‌مندی‌های هستی مکان تاریخی در ضمن تغییر باشند.

۵. نتایج تحقیق

بر اساس آن چه گذشت، با هدف جستاری هستی‌شناسانه، مکان تاریخی در ابتدای امر به عنوان یک کل واحد اندازه‌مند مورد تأمل قرار گرفت. از این جهت، دارای وجوه سه‌گانه معنا، صورت^{۱۳} (و تعینات عرضی اش) و ماده و اندازه‌هایی ناظر به این وجوه دانسته شد. وجوه سه‌گانه‌ی مورد اشاره در حقیقت، سه مرتبه از ظهور وجود خاص مکان به مثابه حقیقت نهایی آن است. در میان این سه مرتبه نیز هر مرتبه نسبت به مرتبه‌ی پایین‌تر از خود، اهمیت بالاتری در نمایندگی هستی مکان تاریخی دارد. به عبارتی، حقیقت هستی مکان تاریخی بیش از هر چیز در معنا و صورت جوهری‌اش متجلی می‌گردد و ماده و تعینات عرضی صورت، تنها ظهورات و به عبارتی مجال ظهور هستی مکان تاریخی‌اند.^{۱۳} هرچند که یک مکان تاریخی در نهایت امر واحد و دارای یکپارچگی وجودی است و مراتب مورد اشاره در واقعیت عینی از یکدیگر جدایی ندارند.

پس از آن، زمانمندی و درآمیختگی مکان تاریخی با تغییر مورد تأمل واقع شد. مکان تاریخی از این جهت، وجودی سیال و نه یک شیء، که نوعی شدن مدام است. امری تدریجی الحدوث و همچون وجودی پخش و گسترده در زمان که گذشته و آینده‌اش بخش‌های مختلف از هستی واحدش را می‌سازند. از این رو نمی‌توان به معنای واقعی از بقا و ثبات در هستی مکان تاریخی سخن گفت و تنها می‌توان از پیوستگی و استمرار در هستی‌اش گفت. استمراری که در نتیجه صیورورت بر مدار



پی نوشت

۱. truth
۲. Rab
۳. Meraz avila, Fidel alejandro
۴. postmodern
۵. حقیقت مکان، گاه «واقعۀ درونی» یا «لطیفه» یا «آن» مکان خوانده شده است (حاجی قاسمی ۱۳۸۸، ۴۰).
۶. «چنانچه در نگاه وجودی به هنر، هنر نحوه وجود آدمی دانسته شده است و هنر و زیبایی شناسی هنری واجد امکان تحقق مراتب خویشتن انسان است» (امامی جمعه ۱۳۸۸، ۶۴).
۷. اگرچه مکان های تاریخی تا بدان حد که مصداقی از هنر سنتی باشند و در «عالم سنت» شکل یافته باشند؛ «معنایی روحانی والوهی» دارند (داداشی ۱۳۸۸، ۱۸۸).
۸. اگرچه این دو نحو حضور برای انسان در مقام خلیفه الهی اش چندان با یکدیگر بیگانه نیستند.
۹. «بدان که چون در حقایق اشیاء امعان نظر نمایی، برخی از آنها را متبوع ... می بینی و برخی دیگر را تابع، متبوع عبارت از جوهر است و تابع، اعراض اند که وجود، همه آنها را فرا می گیرد. چون وجود است که به صورت هر یک از آن دو متجلی است» (ملاصدرا، سفر اول ج ۲ ص ۳۳۳).
۱۰. مراد از نظم، همکاری و هماهنگی میان اجزا و عناصر و اندام های یک مجموعه برای دستیابی به یک هدف است (نقره کار ۱۳۸۹، ۲۳۹).
۱۱. از آن رو که اساساً «معماری پدیده های فرهنگی است» (حاجی قاسمی ۱۳۸۸، ۴۱).
۱۲. به روایت گنون (۱۳۸۲، ۸۰) هیچ صورت متجسدی بدان گونه که هست، ضرورت مطلق ندارد. همگی صور به نسبت آن چه بیان می دارند، یا بازمی تابانند، حادث و عرضی اند.
۱۳. هسته یا جوهر هویت بخش «مورد اشاره در یکی از رویکردهای طرح شده در پیشینه تحقیق، تا حد زیادی به «صورت» مورد ذکر در این نوشتار نزدیک است. با این تفاوت که از منظر این تحقیق، صورت، تجلی گاه معنا و اسمی از اسماء حق است و بدین قرار، در نقطه پایان لایه های هویتی مکان تاریخی قرار نمی گیرد.
۱۴. بر این اساس، وجه کمی مکان تاریخی (اندازه هایی مانند شکل، ماده تشکیل دهنده اثر، ابعاد و تناسب و ...) بر خلاف برخی از رویکردها - که آن را مهم ترین عامل هویت ساز دانستند - در اولویت عوامل هویت ساز مکان تاریخی قرار نمی گیرد. از آن جهت که وجه کمی مکان، تنها مجال ظهور و آشکارگی وجه کیفی اش (صورت و معنا) دانسته شد. با این توجه که در رویکردهایی هم که صورت منتخب مکان تاریخی مورد نظر قرار می گیرد؛ مراد از صورت، بیشتر، ویژگی های شکلی است و نه صورت به عنوان واقعیتی کیفی. به همین ترتیب، وجه کیفی رفتارها و فعالیت ها و به عبارتی، صورت رفتار و معنای پنهان در آن به عنوان نحوی از حضور انسان، نسبت به وجه کمی یا شکل فیزیکی رفتارها و فعالیت های جاری در مکان، اولویتی در نمایندگی هویت مکان تاریخی می یابد. تا آن جا که معنای متجلی در رفتارها و فعالیت ها، از خاستگاه های معنای مکان تاریخی دانسته شد.
۱۵. در برخی دیگر از رویکردهای مورد ذکر در پیشینه تحقیق، سبک ها و ارزش های فرهنگی، عامل هویت ساز دانسته شد. بر اساس نتیجه ای این تحقیق، سبک ها و مکاتب تاریخی و نیز ارزش های فرهنگی نمی تواند امری ثابت و دارای اهمیت بالذات که انطباق بر آن، سیورورت طبیعی مکان تاریخی را مخدوش کند؛ دانسته شود. به عبارتی، اندازه هایی نوعی مورد اشاره، حتی اگر تجلی ای (نسبی) از نظامات وجودی دانسته شود؛ نمی تواند بر جای خود آن نظامات وجودی بنشیند.

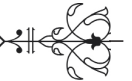
منابع

۱. الرحمن، فضل. ۱۳۶۲. ابن سینا، ترجمه ای علی شریعتمداری. تاریخ فلسفه در اسلام، ۷۲۲-۶۸۳ به کوشش م.م. شریف. تهران: نشر دانشگاهی
۲. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن. ترجمه ای مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. امامی جمعه، مهدی. ۱۳۸۸. فلسفه ای هنر در عشق شناسی ملاصدرا. تهران: متن.
۴. بهشتی، سید محمد. ۱۳۹۳. ارزش های جوهری در حفاظت بافت های تاریخی. سخنرانی در سلسله نشست های موضوعی. دفتر دوم: حفاظت و توسعه توأمان در بافت های تاریخی. نقل از: www.beheshti.me/wp-content/uploads/2015/09/SMB-9305-ArzechJohariBaftVezeratMaskan-low2.pdf (access date: 2/15/2016)
۵. بهنام، پدram، محمدرضا اولیا، و رضا وحیدزاده. ۱۳۹۰. ارزیابی اصالت در فرایند حفاظت از آثار تاریخی ایران. مرمت آثار و بافت های تاریخی-فرهنگی ۱(۲): ۱-۱۶.



۶. بینای مطلق، محمود. ۱۳۸۵. *نظم و راز*. تهران: هرمس.
۷. پازوکی، شهرام. ۱۳۸۸. رویکرد عرفانی به هنر اسلامی. مجموعه مقالات جستارهایی در چیستی هنر اسلامی، ۶۰-۵۳. تهران: متن.
۸. پورجعفر، محمدرضا، رضا اکبریان، مجتبی انصاری، و حسنعلی پورمند. ۱۳۸۶. رویکرد اندیشه‌ای در تداوم معماری ایران. ص ۱۶ (۴۵): ۹۰-۹۰.
۹. پورجعفر، محمدرضا. ۱۳۸۸. مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها. تهران: پیام.
۱۰. تاجر، سعیدعلی. ۱۳۸۳. حکمت وجودی معماری (با تکیه بر آراء صدرالمآلهین). پایان نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۶. حرکت و تحول از دیدگاه قرآن. تهران: مؤسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۲. حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۸. مروری بر تاریخ معماری ایرانی-اسلامی. مجموعه مقالات جستارهایی در چیستی هنر اسلامی، ۵۲-۳۵. تهران: متن.
۱۳. حجت، مهدی. ۱۳۸۰. میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۴. خاکی، آزاده. ۱۳۸۸. *نظم در معماری، تأملی در منظومه‌ی معماری درون*. پایان نامه دکتری معماری. دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. داداشی، ایرج. ۱۳۸۸. رویکرد سنت‌گرایان به هنر اسلامی. مجموعه مقالات جستارهایی در چیستی هنر اسلامی، ۲۱۰-۱۶۹. تهران: متن.
۱۶. رضایی، محمد. ۱۳۹۰. جایگاه مبانی هستی‌شناختی در نگرش صدرا به مسأله‌ی معرفت. فلسفه و کلام (۵): ۷۰-۴۹.
۱۷. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۴. *نهاد نا آرام جهان*. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط.
۱۸. صمدی‌آملی، داوود. ۱۳۸۳. شرح دفتر دل علامه حسن‌زاده آملی. قم: نبوغ.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۴. *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد چهارم. پاورقی: مرتضی مطهری. قم: صدرا.
۲۰. طیبی، محسن، و حبیب‌الله آیت‌اللهی. ۱۳۸۳. نگاهی به زندگی و آثار جان‌راسکین. هنر (۶۲): ۱۴۴-۱۲۲.
۲۱. طبیبیان، سیدحسام‌الدین. ۱۳۹۱. *آشنایی با مرمت ابنیه*. تهران: انتشارات اول و آخر.
۲۲. کاپون، دیوید اسمیت. ۱۳۸۳. *مبانی نظری معماری*، جلد یک. ترجمه‌ی علی‌یاران. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۳. کانتر، دیوید. ۱۳۹۲. *روان‌شناسی مکان*. ترجمه‌ی مریم امیری‌خواه. تهران: فضا.
۲۴. کوماراسوامی، آندانا. ۱۳۸۲. فلسفه‌ی هنر در قرون وسطی و شرق. ترجمه‌ی سیدعلاءالدین طباطبایی. *رواق* ۱ (۶): ۸۵-۶۵.
۲۵. گنون، رنه. ۱۳۸۲. کلمه و نماد. ترجمه‌ی فرزانه طاهری. خیال (۵): ۸۳-۷۸.
۲۶. لینچ، کوین. ۱۳۷۴. *سیمای شهر*. ترجمه‌ی منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۶. الف. *حرکت و زمان در فلسفه اسلامی*، جلد اول. تهران: حکمت.
۲۸. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۶. ب. *حرکت و زمان در فلسفه اسلامی*، جلد دوم. تهران: حکمت.
۲۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸. *مجموعه آثار*، جلد نهم، شرح مبسوط منظومه ۱. تهران: صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۳. *درس‌های اسفار* ۲. تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴. *درس‌های اسفار*، جلد سوم. تهران: صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۵. *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد ۳. سایت کتابخانه الکترونیکی استاد شهید مرتضی مطهری. بازیابی شده از آدرس <http://lib.motahari.ir/Content/915/0> در تاریخ ۱۵ خرداد در ساعت ۲۱:۲۷۴ صفحه.
۳۳. ملاصدرا، صدرالمآلهین شیرازی. ۱۳۸۴. *اسفار اربعه*، سفر اول، جلد دوم. ترجمه‌ی محمد خواجوی. تهران: مولی.
۳۴. ندیمی، هادی. ۱۳۸۶. الف. درس‌هایی از معماری سنتی ایران. مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۰۸-۹۷.
۳۵. ندیمی، هادی. ۱۳۸۶. ب. *کلک دوست*، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۳۶. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۵. الف. *دین و نظم طبیعت*. ترجمه‌ی انشاء الله رحمتی. تهران: نی.
۳۷. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۵. ب. *معرفت و معنویت*. ترجمه‌ی ان‌شاء الله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی.
۳۸. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۶. *اسلام سنتی در دنیای متجدد*. ترجمه‌ی محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سپهروردی.
۳۹. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. *مبانی نظری معماری*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۰. ویناس، سالوادو رمیونز. ۱۳۸۹. *نگره نگاهداشت معاصر*. ترجمه‌ی فرهنگ مظفر، فاطمه مهدی‌زاده، و حمید فرهمند. اصفهان: گلدسته.
۴۱. یوکیلهتو، یوکا. ۱۳۸۷. *تاریخ حفاظت معماری*. ترجمه‌ی محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.





References

1. Alexander, Christopher. 2002. *Architecture and the Secret of Immortality: the Timeless Way*. Translated by Mehrdad Ghayyumi Bidhendi. Tehran: Shahid Beheshti University.
2. Beheshti, Sayed Mohammad. 2014. Substantial Values in the Conservation of Historical Contexts. *Speech in a Series of Thematic Meetings. Second Part: Conservation and Development together in Historical Contexts*. Quoted from: www.beheshti.me/wp-content/uploads/2015/09/SMB-9305-ArzeshtJohariBaftVezeratMaskan-low2.pdf (access date: 2/15/2016)
3. Binaye Motlaq, Mahmoud. 2006. *Order and Mystery*. Tehran: Hermes.
4. Canter, David. 2013. *Place Psychology*. Translated by Maryam Amiri Khah. Tehran: space.
5. Capon, David Smith. 2004. *Theoretical Bases of Architecture 2004, (Volume One)*. Translated by Ali Yaran. Tehran: Islamic Azad University Publishing Center.
6. Coomaraswamy, Andana. 2003. Philosophy of Art in the Middle Ages and the East. Translated by Seyed ala'aldyn Tabatabaei. *Ravaq* 1(6): 65-85.
7. Dadashi, Iraj. 2009. Raditionalists Approach to Islamic Art. Studies in the Nature of Islamic Art. *Collection of Articles and Lectures*, (169-210). Tehran: Matn.
8. Emami Jomeh, Mahdi. 2009. *Philosophy of Art in MullāSadras Love Recognition*. Tehran: Matn.
9. Guenon, Rene. 2003. Word and Symbol. Translated by Farzaneh Taheri. *Khial* (5): 78-83.
10. Haji Ghasemi, Kambiz. 2009. A Review of the History of Islamic-Iranian Architecture. *Studies in the Nature of Islamic Ar, Collection of Articles and Lectures*, 35-52. Tehran: Matn.
11. Hojjat, Mahdi. 2001. *Cultural Heritage in Iran, Policies for an Islamic Country*. Tehran: Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization.
12. Ja'fari, Mohammad Taghi. 2007. *Movement and Transformation by the View of Quran*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works.
13. Jokilehto, Jukka. 2008. *History of Architectural Conservation*. Translated by Mohammad Hassan Talebian and Khashayar Bahari. Tehran: Rozane.
14. Khaki, Azade. 2009. *Order in Architecture, Reflecting the Internal System of Architecture*. Ph.D Thesis in Architecture. Shahid Beheshti University.
15. Lynch, Kevin. 1995. *The Image of the City*. Translated by Manuchehr Mozayyeni. Tehran: University of Tehran Press.
16. Meraz A. 2008. *Architecture and Temporality in Conservation Philosophy, Cesare Brandi*. PHD. Thesis, University of Nottingham.
17. Motahhari, Morteza. 1987 (A). *Motion and Time in Islamic Philosophy, Vol. I*. Tehran: Hekmat.
18. Motahhari, Morteza. 1987 (B). *Motion and Time in Islamic Philosophy, Vol. II*. Tehran: Hekmat.
19. Motahhari, Morteza. 1989. *Collected Works, Volume IX, Detailed Description of Manzooome I*. Tehran: Sadra.
20. Motahhari, Morteza. 2004 (A). *Lessons of Asfar 2*. Tehran: Sadra.
21. Motahhari, Morteza. 2004 (B). *Lessons of Asfar, Volume III*. Tehran: Sadra.
22. Motahhari, Mortaza .2016. *Principles of Philosophy and the Method of Realism, Volume III*. Electronic Library Site of Master Shahid Morteza Motahhari. Retrieved from the address <http://lib.motahari.ir/Content/915/0> on 15 June at 21 o'clock: 274 pages.
23. Mulla-Sadra. 2005. *Four Journeys, the First Trip, Volume II*. Translated by Mohammad Khajavi. Tehran: Moula.
24. Nadimi, Hadi. 2007 (A). *Lessons from the Traditional Iranian Architecture*. Essays Collection of the first and second set of Architectural Discourse. Isfahan: Isfahan Municipality Recreational and Cultural Organization: 97-108.
25. Nadimi, Hadi. 2007 (B). *Kelk-e-Doost, Ten Articles on the Art and Architecture*. Isfahan: Isfahan Municipality Recreational and Cultural Organization.
26. Nasr, Seyyed Hossein. 2006 (A). *Religion and the Order of Nature*. Translated by Ensha Allah Rahmati. Tehran: Ney.
27. Nasr, Seyyed Hossein. 2006 (B). *Knowledge and Spirituality*. Translated by Ensha Allah Rahmati. Tehran: Suhrevardi Research and Publication Office.
28. Nasr, Seyyed Hossein. 2007. *Traditional Islam in the Modern World*. Translated by Mohammad Salehi. Tehran: Suhrevardi Research and Publication Office.
29. Noqrekar, Abdolhamid. 2010. *Theoretical Fundamentals of Architecture*. Tehran: Payam-e-Noor University Press.
30. Pazoki, Shahram. 2009. Mystical Approach to Islamic Art. *Studies in the Nature of Islamic Ar, Collection of Articles and Lectures*, 53-60. Tehran: Matn.
31. Pourjafar, Mohammad Reza, Reza Akbarian, Mojtaba Ansari, and Hassanali Poommand. 2007. Thinking Approach in the Continuity of Iranian Architecture. *Soffe* (45): 90-105.
32. Pourjafar, Mohammad Reza. 2009. *Principles of Rehabilitation and Renovation of Old Contexts of Cities*. Tehran: Payam.
33. Rab, S. 1997. *The "Monument" in Architecture and Conservation Theories of Architectural Significance and their Influence on Restoration, Preservation and Conservation*. PhD. Thesis. USA: Georgia Institute of Technology.
34. Al-Rahman, Fazal. 1983. *Ibn Sina. Translated by Ali Shariatmadari*. History of Philosophy in Islam, 683-722. By Efforts





of M.M. Sharif. Tehran: Iran University Press (IUP).

35. Rezaei, Mohammad. 2011. The Place of Ontological Principles in Sadra's Views about Knowledge Issue. *Philosophy and Kalam* (5): 49-70.

36. Samady Amoli, Davood. 2004. *Description of Daftar-e Del of Allameh Hassanzadeh Amoli*. 1383. Qom: Nobouq.

37. Soroush, Abd ol-Karim. 2005. *Dynamic Substance of the World*. Tehran: Serat Cultural Institute.

38. Tabasi, Mohsen, and Habib Allah Ayatollahi. 2004. A Glance at the Life and Works of Jahn Raskin. *Art* (62): 122-144.

39. Tabatabaei, Mohammad Hossein. 1985. *Principles of Philosophy and the Method of Realism, Vol 4*. Notes: Morteza Motahhari. Qom: Sadra.

40. Tabibian, Seyed Hesam al-Din. 2012. *Introduction to Buildings Restoration*. Tehran: Avval-o- Akhar.

41. Tajer, Saeed Ali. 2004. *Existential Wisdom of Architecture (Relying on the Votes of MullaSadra's Doctorines)*. Ph.D Thesis in Architecture. Tehran: Shahid Beheshti University.

42. Behnam, Pedram, Mohammadreza Olia, and Reza Vahidzade. 2011. Evaluation of Authenticity in the Conservation of Persian Heritage. *Maremat-e Asar and Baft-haye Tarikhi-Farhangi* 1 (2), 1-16.

43. Vinas, Salvador Mayonnaise. 2010. *Contemporary Conservation Theory*. Translated by Farhang Mozaffar, Fateme Mehdizade, and Hamid Farahmand. Isfahan: Goldasteh.

44. Violet I. 1996. *Restoration, Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*, 314-318. USA: Science Press.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Feizi

Administrative Director:

Samaneh Taqdir

Administrative assistant:

Zahra Kashanidoust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: MohamadReza Atee Hamedani

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume5, Number15:

Parastoo Eshrati: Assistant Professor, University of Tehran
Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor, Iran University of
Science and Technology

Hamidreza Jayhani : Assistant Professor, kashan University

Ali Seyedian: Assistant Professor, Mazandaran University

Abolfazl Meshkini: Assistant Professor, Tarbiat Modares
University

Shariar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art University

Masood Nari Qomi: Assistant Professor, University of Kashan

Abdolhamid Noqrehkar: Associate Professor, Iran University of
Science and Technology

Ali Omranipur: Assistant Professor, kashan University

Mohammad Manan Raeesi: Assistant Professor, University of
Qom

Mohamad Ranjbar Kermani: Assistant Professor, University of
Qom

Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor of Dezful
University

Hasan Zolfagharzadeh: Associate Professor, Imam Khomeni
International University





- ▣ **Localizing Integrated Urban Regeneration of Historical Context of Islamic City**
Amirhossein Shabani / Mohammad Saeid Izadi
- ▣ **The Ontology of Historic Places: An Ontological Contemplation on Historic Places in the Light of the Doctrine of Principality of the Existence**
Farhang Mozafar / Hadi Nadimi / Abouzar Salehi
- ▣ **Evaluation and Analysis of Jurisprudential-Legal Entities in the Structure of High Council of Urbanism With a "corrective proposal in the courts of inquiry and the specialized commission of the council**
Seyed Majid Hashemi Toghroljerdi
- ▣ **A Study of the Function of a Decorative Form in the Inscriptions of the Stuccoed Mihrabs Created during the 12th and 14th centuries**
Ahmad Salehi Kakhki / Bahareh Taghavi Nejad
- ▣ **Explain Concept of Transparency in Terms of Modern, Postmodern and Evaluating that in Islamic Iranian Architecture**
Davoud Saadat / Iraj Etesam / Seyyed Mostafa Mokhtabad Amrai / MohammadJavad Mahdavinejad
- ▣ **The influence of Islamic Culture on the Housing and Manifestation in Space Had Homes (Case Study: Qajar Epoch Homes in the Town of Ardabil)**
Ali Yaran / Hosein Behroo
- ▣ **The Formation of Space by the Conceptual Link of Music-Math and Architecture: A Case Study of Jelokhan and Asemaneh of Sheikh Lotfollah Mosque in Isfahan**
Ali Tokhmechian / Minou Gharehbaglou / Ahad Nejad ebrahimi